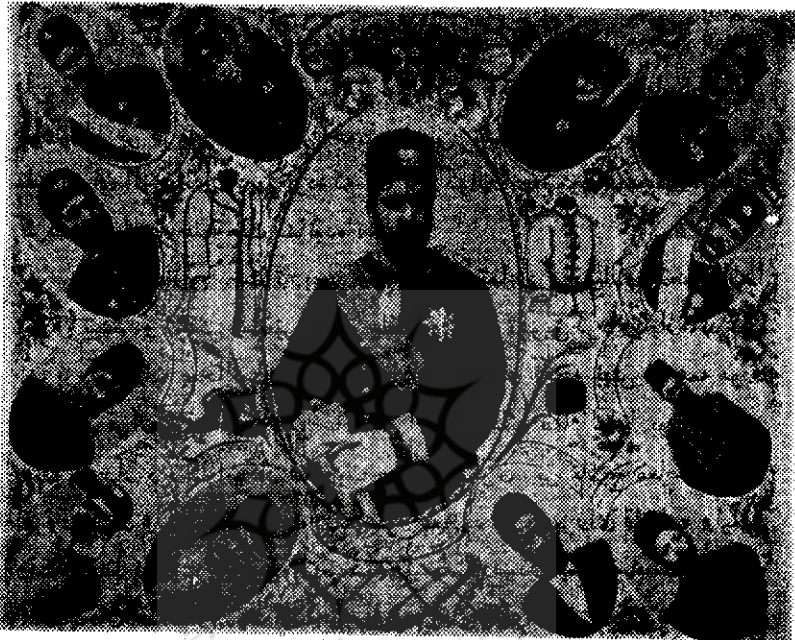


تاراج خانه های مرحوم نظام العلماء

از روزیکه تاریخ نوشته شده بیشتر وقایع ، بصورت نقل قول بوده و بگفته پیشینیان روایتها سینه بسینه رسیده و درعصر ما آنچه در سینه ها بوده و برشته تحریر درآمده بزور چاپ آراسته شده ، زیرا رواج مطبوعات و کاوش اجتماعات سرانجام رویدادهائی را که در وقایع نگاری پوشیده مانده همه را برملا ساخته و آنهاکه در جستجوی حقایق مکتوم بوده و هستند ، پیوسته نتایج کاوشگریهای خود را در متون کتابها و ستونهای مطبوعات بخواستاران وقایع و دستداران تاریخ داده و میدهند که امیدواریم قلم و قضاوتشان راه عدل و راستی بیامید و آنچه بحقیقت نزدیکتر است بیادگار بگذارند . چنانکه در صفحه بیست و سوم شماره پنجاه و یکم سال سی و یک گرامی نشریه خواندنیها تحت عنوان « تاراج خانه نظام العلماء » بدین مضمون شرحی پیرامون آغاز مشروطیت با دقت و امان نظر مرقوم رفته بود که خواننده را بیشتر بتفحص و تحقیق وادار میساخت و جملات مقدماتی آن چنین یاد شده

که :... غارت و انهدام خانه های مرحوم نظام‌العلمای دیبا
جدا مجد علیاحضرت شهبانو از تاریخ اداری و اجتماعی دوره
قاجاریه نقل شده بود که متأسفانه با حقایق و تاریخی مطابقت
نداشت



امیر تومان معز لشکر

.... در تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه تألیف عبدالله مستوفی اشاره‌ای
رفته که پس از استقرار مشروطیت در ایران تنظیم نظامنامه‌ای در انجمن
ایالتی آذربایجان مطرح گردید و جمعی با آن مخالفت کردند
و بالاخره به خانه های نظام‌العلماء هجوم برده و اثاث آنها را غارت
و بناها را منهدم ساختند

سپس نویسنده ارجمند می‌افزاید طبق آنچه در مجله پیمان وقایع مشروطیت
ایران «تألیف مرحوم کسروی» و جراید معروف آن زمان چون جیل‌المتین
«چاپ کلکته» و پرورش «اسکندریه» یاد شده و انهدام خانه مرحوم نظام-

العلماء چهارده سال پیش از استقرار مشروطیت ایران رویداده و آن بهنگامی بوده که مرحوم امیر نظام گروسی والی ایالت آذربایجان بوده و مردماجر اجوئی بنام سید محمد یزدی ملقب به «طالب الحق» میداننداری آن ماجرا را داشته ... و خلاصه آنکه سران خانواده دیبا در خدمت بمشروطیت سهمی بسزا داشته ، چنانکه در آغاز مشروطیت و سالهای نخستین تشکیل مجلس شورای ملی «مرحوم سیدالمحققین دیبا» فرزند بلافصل «نظام‌العلماء» بریاست مجلس شورایملی برگزیده شده و این خود بهترین نشانه قدردانی بزرگزیدگان ملت ایران از خاندان دیبا بوده که آن بزرگوار را بمعضویت قوه مقننه انتخاب کرده و بریاست خانه ملت نشانیده‌اند

بهر حال این بحث تاریخی و تحقیق اجتماعی ، بسیاری از محققان را بکوش بیشتر و کوشش وسیعتر در راه یافتن واقعیت تشویق کرد و با بازماندگان آن بزرگواران بمجالست و مؤانست و ادار ساخت و آنچه بیش از همه مورد کندوکار قرار گرفت چگونگی غارت و انهدام خانه نظام‌العلماء بود که در این میان يك راز بزرگ آشکار شد و يك صفحه دیگری بر تاریخ معاصر ایران افزوده گشت و آن این بود که بناب دستور «محمد علی میرزای قاجار» ولیعهد وقت که بنا بر سنت سلاطین آن سلسله ولیعهد تارسیدن بمقام سلطنت در ایالت آذربایجان اقامت ولایت داشته ، بنا بوده خانه های نظام‌العلماء بتوپ بسته بشود و از بنیاد منهدم گردد ، یعنی یازده سال پیش از بتوپ بستن مجلس شورای ملی در تهران ، سلطان مخلوع امر بتوپ بستن خانه نظام‌العلماء را داده ولی مهم اینجاست که وقتی مأموران محمدعلی میرزا گرداگرد خانه نظام‌العلماء موضع میگیرند ، ناگهان مشاهده میکنند که «امیر تومان حاج میرزا حسین خان معز لشکر» رئیس ذخائر نظامی آذربایجان و معاون نظامی ولیعهد که از مقربان محمدعلی میرزا و از معتمدان مردم و دوستداران دیانت و مردی با تقوی و طهارت و امانت بوده ، عصا بدست بر سکوی خانه نظام‌العلماء نشسته و خطاب به مهاجمان میگوید : ...

«حالا که بنا هست سرای نظام‌العلماء را بتوپ بیندید من راهم از دم توپ

بگذرانید مهاجمان با احترام او دست از کار کشیدند و ماجرا به «محمد علی میرزا» بردند که «امیرمعز» بر سکوی خانه نظام العلما نشسته و خود را هدف بلائی توپ ما ساخته ، حضرت اقدس والا چه دستور میفرمایند؟ ... و در آنحال محمدعلی میرزا با شگفتی و گره کردن مشت نمره میزند: «... حالا که معز لشکر سپر بلاى جان خاندان نظام العلما شده از توپ بستن خانه خودداری کنید و بتاراج پردازید! و دیری نپائید که بصورتی زشت و غم انگیز خانه های نظام العلما را غارت کردند !»

اینها گوشه هایی از تاریخ معاصر است که وقتی نگارنده در این باره جستجوی بیشتر کردم یکی از نوه های مرحوم «امیر تومان معز لشکر» یعنی آقای «علی اصغر امیرمعز» معاون سابق وزارت اطلاعات را یافتم و گفتگو را بدین سخن کشانیدم و ایشان پس از شرحی از گذشته های نزدیک بسخن خود افزود که : «... همه قبیله من در خدمت این میهن بودند و بهمین مناسبت بعصر اعلیحضرت رضاشاه کبیر مانند همه افراد این کشور آرزوی پیدایش يك نادر آزادپخواه را داشتیم تا آن سردار بزرگ قیام کردند و بنیاد ایران جدید را پی ریختند و از جمله نام فامیل جای القاب و عناوین را گرفت ، خانواده ما هم که در اصل از لرستان و پشت کوه هستیم «امیر» را از امیر تومان و «معز» را از معز لشکر گرفتیم و امیرمعز شدیم ، و اما درباره واقعه تاراج خانه نظام العلما این واقعه را مادرم بخاطر دارد و ضمن وقایع و خاطرات دیگر آنرا از زبان پدرم نقل میکند که گفته بود اگر پدر او نبود خانه های نظام العلما بتوپ بسته میشد ...» باید در نظر داشت که در آن هنگام پدرم درجه سرتیپی داشت ، از سرتیپهای هیجده ساله و در تبریز میزیسته و هنوز با مادر من ازدواج نکرده بود ازدواج آنها پس از حمله محمدعلیشاه انجام گرفت و من فرزند سوم آنان هستم . ما خیلی کوچک بودیم که پدر خود را از دست دادیم .

آنچه آقای معز گفت باختصار آورده شد و در هر صورت این چند سطر برای ثبت تاریخ بر رشته تحریر درآمد تا آنچه از سینه بسینه میرسد در دل

خاک مدفون نشود و حقایق بگونه درسی برای ابناء وطن ما باقی بماند و آیندگان بدانند که نظام العلما چگونه در راه آزادگان دروادی آذر آبادگان تا پای جان ایستاد و امروز برترین بازماندگان نشان بزرگترین مقلم را در این مملکت دارند تا آنجا که شهبانوی ایران هستند و با همه ملکات و سجایای اخلاقی يك انسان بزرگوار باقلبی مملو از احساسات و عواطف نسبت بمرزوبوم و ملت خود هستند .

آقای محمد معزی مدیر کل فرهنگ اسبق آذربایجان نیز این موضوع را از قول مردم تبریز چنین نقل میکند :

وقتی محمدعلی میرزا دستور به توپ بستن خانه‌های مرحوم نظام - العلما را صادر میکند، مرحوم حاج معز لشکر که مردی متدین و مذهبی بود روی سکوی در خانه او میشیند و میگوید اگر هنر لری وار، ایندی گل سین لر بودانی توپا باقلا سینلار .

آقای محمد معزی اهل رضائیه و از فرهنگیان دانشمند هستند که سالهای متمادی در تبریز می‌زیستند.

ایکاش همه مردم ایران در هرجا هستند کوشش و کاوش کنند تا تاریخ منطقه و محیط خانواده خود را بیشتر بیابند و از جوانمردیهای اعیان خود یادگارها بجویند و آنچه هنوز هم از سینه‌ها بسپته‌ها رسیده و برشته تحریر نیامده یا بزبور چاپ آراسته نشده بنویسند و برای مطبوعات بفرستند و هر روز صفحاتی بر تاریخ زرین ایران بیافزایند ، زیرا اینجا وطن ما است ، ما از این سرزمین برخاسته‌ایم و در این سرزمین بخاک می‌رویم پس آنچه از ما بیادگار میماند تاریخ زادبوم و زاد و رود ما است و چه بهتر که تابناک تر و درخشانتر سرفراز باشد .

دانش نوبخت